

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی

آرمین علیمردانی^۱

مصطفی واحدی^۲

محمد رضا بهروزی^۳

چکیده

در طول تاریخ، هرگاه قانونی برای جرم ارتکابی افراد به وجود آمده، نشان‌دهنده ایجاد مسئولیت کیفری افراد بوده است. اما این مسئولیت در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. در این تحقیق به مطالعه‌ای تاریخی در سیر تکوین مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجدهم پرداخته شده و به مواردی چون منع و منشأ قوانین، مقایسه قوانین گذشته با قوانین فعلی، اشتباهات تاریخی قانون‌گذاران در تبیین قانون و علت‌یابی برخی نا亨جاری‌های قانونی اشاره گردیده است. این مطالعه کمک می‌کند تا نگاه انتقادی به شکل‌گیری قانون را قوت بخشیم و با مقایسه قواعد معاصر و کهن، عیوب‌های قواعد موجود را حذف کنیم و به پیشرفت قانون‌گذاری امیدوار باشیم. این تحقیق با سوالاتی چون «امکان سنجی تغییر شکرف مسئولیت کیفری در قوانین آینده»، «بررسی احتمال بازگشت و استفاده دوباره از قوانین گذشته» و «بررسی ضرورت استفاده قانون‌گذار در حین قانون‌گذاری از قوانین» مواجه است.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، مسئولیت کیفری، تاریخ، مقایسه قوانین.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق، دانشگاه UNSW سیدنی (استرالیا). armin.alimardany@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت الله آملی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

مقدمه

در طول تاریخ، هرگاه قانونی برای جرم ارتکابی افراد به وجود آمده، نشان‌دهنده ایجاد مسئولیت کیفری افراد بوده است. اما این مسئولیت در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. زمانی حتی لوازمی مانند تبر را مسئول می‌دانسته‌اند. حیوانات نیز در دوره‌ای از تاریخ دارای مسئولیت بودند. با گذشت زمان، مسئولیت از اجسام و حیوانات برداشته شد و بحث مسئولیت کودکان و افراد مجنون مطرح شد. پس از آن نیز مسئولیت تقلیل یافته^۴ افراد با پیشرفت علم و درک حالت‌های روانی انسان‌ها به میان آمد.

مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام امری است و مسئول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سر بازبند بازخواست می‌شود. بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است. در قلمرو حقوق جنایی، محتوای این التزام تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است؛ لیکن به صرف ارتکاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یکباره بر دوش مقصسر گذاشت؛ بلکه ابتدا باید بتوان او را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست و تقصیری را که مرتکب شده به حساب او گذاشت و سپس او را مؤاخذه کرد. توانایی پذیرش بار تقصیر را حقوق‌دانان قابلیت انتساب^۵ می‌نامند.^۶

در این پژوهش، سیر تحول مسئولیت کیفری، از حیوانات به افراد و همچنین نوع بینش در مورد انواع مجازات‌ها در ادوار مختلف تاریخی پیش از قرن هجدهم میلادی، بررسی خواهد شد. به علاوه، نویسنده‌گان سعی بر این داشته‌اند تا با توجه به اطلاعات در دسترس، تصور بنیان‌گذاران قوانین کیفری را از مجازات افراد ذکر کنند. برای مثال، در دوره‌ای پیشگیری از مجازات اهمیتی نداشته است، درحالی که در دوره دیگر این امر مهم می‌شود. همچنین شخصی بودن مجازات، اصلاح مجرم، تفاوت در میزان مسئولیت افراد مختلف و مانند آن در ادوار مختلف به تدریج ایجاد شده است. بطور خلاصه هدف محققان این اثر، نشان دادن

۴.Diminished responsibility

۵. Attribution capability

۶. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۴. محمد جعفر حبیب زاده و حسین فخر بنا، «مقایسه عوامل موجه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری»، فصلنامه مدرس، دوره ۹، ش ۳، ۱۳۸۴

اهمیت مطالعه تاریخی سیر تحول مسئولیت کیفری بر قانون‌گذاری است.

الف) در حقوق بین‌النهرین باستان

تمدن انسان بر روی زمین سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. اما سرمنشأ تمدن جدید بشر از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، با ابداع خط آغاز می‌شود. کشور سومر (حدوداً عراق کنونی) کهن‌ترین قوانینی را که می‌شناسیم به جای نهاده‌است؛ یعنی دقیقاً نظام حقوقی دولت‌های بین‌النهرین جنوبی در هزاره سوم ق.م. که زبان سومری را حفظ کرده‌بودند. خاستگاه‌های این نظام قطعاً بسیار قدیمی‌ترند، لیکن برای ما، از آنجایی که مدارکی در این خصوص وجود ندارد، دست‌نیافتنی هستند. کنار گذاشتن این نظام باید مصادف با سقوط سومین سلسلة اور (حدوداً ۲۰۰۰ سال ق.م.) باشد، در عصری که در زبان سومری دیگر زبان زنده نبود. با این همه کنار گذاشتن این نظام به هیچ روی به معنای پایان تأثیر آن نیست؛ زیرا طی هزاران سال، از طریق ادبیات خط میخی و از طریق قانون کتاب مقدس و حتی قانون خاخامی ادامه حیات داد. تأثیر این نظام به طور قوی در دولت‌هایی که طی دوره بابل قدیم (حدود ۱۶۵۰-۱۹۵۰ ق.م.) جانشین هم شدند، آشکار است؛ زیرا در این دوره زبان سومری به عنوان زبان حقوقی به کار می‌رفت. بهترین نوع شناخته‌شده منابع حقوقی این دوران و مشهورترین آن‌ها قانون‌نامه‌های خط میخی‌اند که عبارت‌اند از:

۱. قانون‌نامه اور- نمو به زبان سومری، قرن ۲۱ ق.م. (حدود ۲۱۰۰ ق.م.) در ۳۷ بند؛ ۲- قانون‌نامه لیپیت‌ایستر به زبان سومری، قرن ۱۹ ق.م. (حدود ۱۹۳۰ ق.م.) در ۳۸ بند؛ ۳- قانون‌نامه اشنونا به زبان اکدی، قرن ۱۸ ق.م. (حدود ۱۷۷۰ ق.م.) در ۶۰ ماده یا بند؛ ۴- قانون‌نامه حمورابی به زبان اکدی، قرن ۱۸ ق.م. (اندکی پیش از ۱۷۵۰ قبل میلاد) در ۲۸۲ ماده؛ ۵- قوانین هیتی‌ها به زبان هیتی، قرن ۱۳ ق.م. (روایت قدیم حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ ق.م. و روایت متأخر ۱۵۰۰ تا ۱۱۸۰ ق.م.) در ۲۰۰ ماده؛ ۶- قوانین آشوری میانه به زبان اکدی، قرن ۱۲ ق.م. (حدود ۱۰۷۶ ق.م.) کلاً نزدیک به ۱۲۰ بند.^۷

در این قسمت به بررسی هر یک از این قانون‌نامه‌ها می‌پردازیم.

۱. قانون‌نامه‌ی اور-نمو

اور-نمو، شاه اور (اور سوم) یا شاید پسر وی شولگی، قانون‌نامه‌ای را منتشر کرد که تا کنون

۷. حسین بادامچی، «قتل در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق»، مجله حقوقی دادگستر، ش ۳۳، ۱۳۷۹، ص ۸۷

۱۱۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

از طریق سه نسخه بر روی الواحی مربوط به دوره بابل قدیم، به طور ناقص و شکسته به دست ما رسیده است. بخش حفظ شده این قانون نامه شامل مقدمه و ۳۲ ماده قانونی است. مقدمه اشاره می کند که چگونه پادشاه از سوی خدا برای حکومت مأمور شده است؛ سپس موارد سوءاستفاده های رایج را بیان کرده، اعلام می کند که بی عدالتی را از میان برداشته، انصاف را در کشور برقرار ساخته، شهرهای مختلفی را از سلطه خارجی آزاد نموده و اوزان و مقیاس ها را قانونی کرده است.^۸ سلسله اورنemo سرآغاز آخرین دوره خلاقيت و شکوفايي ادبيات سومري بود. اگرچه برخى نمونه های همزمان از اين تلاش بديع در کاوش های اخير شهر باستانى نیپور^۹ در معرض دید آمد، بيشتر محصول ادبی و علمی اين دوره تنها از طریق نسخه هایی به دست ما رسیده که در مدارس نويسندگی نیپور و اور در حدود دو تا سه سده بعد، يعني بين ۱۸۰۰ و ۱۷۰۰ ق.م.، نوشته شده است. فهرست موضوعات قانون نامه را می توان چنین خلاصه نمود: مجازات مرگ برای قتل، اعمال گوناگون غيرقانونی و ممنوع، مسئله مالکیت فرزندان حاصل از ازدواج اشخاص آزاد و بردگان، جرائم جنسی، ازدواج، جراحات جسمانی و مسئله تعیین دیه، نافرمانی و سرکشی بردگان، شهادت دروغ و جرائم کشاورزی^{۱۰}. بررسی قوانین اورنemo که از آغازی ترین قوانین موجود بشری محسوب می گردد، دارای دو نکته قابل توجه است. اول اینکه این قوانین دارای مقدمه است که در آن سعی در توجیه قدرت قانون گذار (پادشاه) و دلیل ایجاد قانون (اهمیت) در بین مردم دارد. بنابراین، مقبولیت قانون از ابتدایی ترین موضوعاتی است که در قوانین فعلی شاید به آن اندازه که باید، توجه نمی شود. به عبارت دیگر در این دوران شاید بتوان گفت قوانین برآيند وجود جمعی جامعه بدوى بودند. دوم، وجود تشابه در قوانین فعلی و قوانین آن زمان، به خاستگاه ایجاد برخی از قوانین فعلی اشاره دارد که از جمله آن ها می توان به شهادت دروغ و جرائم جنسی اشاره کرد.

۲. قانون نامه لیپیت-ایشترا

پادشاهی که پشتیبان انتشار این مجموعه قانون بود، لیپیت-ایشترا (دوران حکومت ۱۹۳۴-

^۸ ریموند وستبروک، «حقوق سومری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مندرج در: تاریخ حقوق کیفری بین النهرين (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۳۸-۳۹.

^۹Nippur

^{۱۰}. ریموند وستبروک و دیگران، تاریخ حقوق بین النهرين باستان آغاز قانون گذاري، ترجمه گودرز افتخار جهرمی و دیگران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، صص ۲۹، ۳۱

۱۹۲۴ ق.م.) نام دارد. او پنجمین فرمانروای نخستین سلسله شهر ایسین بود، که پس از سقوط سومین سلسله اور بنیان گذارده شد. از این قانون نامه، مقدمه، مؤخره و تقریباً ۵۰ ماده در دست است. مقدمه مشتمل بر خودستایی لیبیت‌ایشتر درباره لطف و کرم خویش نسبت به تمام سومر و اکد است. وی از شهرهای بین النهرين جنوبی که تحت لوای حکومت مشروع و الهی وی هستند نام می‌برد، و بر نقش خود در مقام احیاگر عدالت و نظم اجتماعی تأکید می‌کند؛ بنابراین به راحتی در این قوانین نیز می‌توان به اهمیت نقش مقبولیت قانون گذار و قانون توجه کرد. ماده‌های نخستین که مسلماً به این مجموعه تعلق دارند، به قایقه‌ها می‌پردازند و در ادامه قوانینی راجع به کشاورزی، بردگان فراری، شهادت دروغ، ازدواج و حقوق مالی مربوط مطرح می‌شود.^{۱۱}

۳. قانون نامه اشنونا

در سال ۱۹۴۸، طه باقر، رئیس موزه عراق، اعلام کرد که «ضمن عملیات حفاری در تپه حرمل، دو لوحة قانونی یافته شده از لوحة لیبیت‌ایشتر کهنه تر است». پیشتر به غلط تصور می‌شد که این مجموعه متعلق به پادشاهی است که شاید ۷۰ سال پیش از لیبیت‌ایشتر می‌زیسته و بنابراین تاریخ آن را در حدود دو قرن مقدم بر قانون حمورابی می‌دانستند. اما در نتیجه مطالعات اخیر معلوم شد قانون نامه متعلق به دوران یکی از پادشاهان اشنونا به نام ددوشا است که از معاصران اوایل حکومت حمورابی محسوب می‌شده و لذا تاریخ تقریبی قانون اشنونا را ۱۷۷۰ ق.م. تعیین کردند. این قانون نامه چنان‌که از منابع موجود معلوم است، مقدمه یا مؤخره‌ای ندارد. قانون نامه مشتمل بر مقرراتی است که به موضوعات فراوانی می‌پردازد، از جمله مسئولیت مستأجر، مسائل کشاورزی، سرقت، حقوق زناشویی، جرائم جنسی، جرائم علیه اموال، جراحات جسمانی، سگان گزنه و دیوارهای در حال فروریختن.^{۱۲} فقدان مقدمه در این قانون نشانه این امر است که با گذشت زمان لزومی در پیشرفت‌هشدن قوانین وجود ندارد و گاه پیش می‌آید که قانون‌گذاران به برخی از جنبه‌های قانون‌گذاری توجه نمی‌کنند.

۴. قانون نامه حمورابی

۱۱. وستبورک و دیگران، همان، صص ۴۷ - ۴۸.

۱۲. مارتات راس و دیگران، «قوانين اشنونا: یادگار حقوق دانان باستانی»، ترجمه حسین بادامچی، مجله حقوق دادگستر، ش ۳۷، ۱۳۸۰، صص ۸۳ - ۸۴.

حمورابی یک آموری^{۱۳} بود که در سال ۱۷۹۲ پیش از میلاد جانشین پادشاهی پدر خود بر بابل گردید. پس از حدود ۴۰ سال حکومت، کاتبان و استادکاران او یک اثر تاریخی بزرگ و از لحاظ کمی، با هیبت آفریدنده؛ کتیبه‌ای به بلندای ۲۵ سانتیمتر از جنس بازالت سیاه که بر روی آن پیامی به صورت نوشتاری و تصویری حک شده‌بود. این کتیبه تاریخی که در ادبیات امروزی، به نام کتیبه حمورابی شناخته می‌شود، خود را کتیبه^{۱۴} یا کتیبه منقش نامیده‌است.^{۱۵}

حمورابی قانون را خود به خود وضع نکرده؛ بلکه قانون او مجموعه‌ای است از قوانین و ادیان پیشین، که با گذشت سده‌ها و سیر زمان و قانون تکامل رفته‌رفته به این صورت درآمده‌است.^{۱۶} قانون‌نامه حمورابی یکی از نشانه‌های بارز استفاده از قوانین نظام‌های دیگر برای پیشرفت هرچه بیشتر است و اهمیت مطالعه سیر تاریخی قانون‌گذاری را بار دیگر به ما گوشزد می‌کند.

در مجازات بابلی‌ها نامی از زندان برده‌نشده و کیفرها به صورت جرم‌مالی، یا قطع عضو و یا قتل انجام می‌گردیده^{۱۷} که موضوع قابل تأملی است؛ زیرا در قوانین فعلی زندان یکی از مجازات‌ها و عناصر جدانشدنی کیفر است. در حالی که بسیاری از جرم‌شناسان نه تنها آن را مجازات مفیدی نمی‌دانند، بلکه در بسیاری از موارد آن را تشديد‌کننده جرائم بعدی از سوی زندانیان می‌شمارند. حتی در راستای سیاست‌های قضازدایانه، جنبش حبس‌زدایی و جایگزین‌های مجازات حبس امروزه طرفداران بسیاری پیدا کرده و در حقوق داخلی ایران نیز نمود بارز آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متبول گشته و با این نگاه یک فصل از این قانون به این امر اختصاص پیدا کرده‌است.

از خصوصیات قانون حمورابی آن است که به موجب آن، قوانین محلی در سراسر امپراطوری لازم‌الاجرا گردیده و مجازات‌های شدیدی برای برخی از جرائم به خصوص برای تجاوز به حریم مقدس زناشوئی مقرر گردیده‌است. برای مثال در مورد زنای محسنه، کیفر زن و مرد زناکار هر دو اعدام بوده‌است^{۱۸} که در قوانین اسلامی نیز این امر دیده‌می‌شود.

۱۳. Amorite

۱۴. Naru

۱۵. وستبورک و دیگران، همان، صص ۲۵۸ – ۲۵۹

۱۶. احمد ولایی، «قوانين حمورابی»، ارمغان، دوره ۲۰، ش ۱۳۱۸، ۳، ص ۱۷۱

۱۷. محمد علی نجفی، «نگاهی به قانون حمورابی»، حقوق امروز، ش ۲۹، ۱۳۵۲، ۵۳ – ۶۰، ص ۴

۱۸. کاکوئی، «نخستین قانون نوشته»، مهندسی قضایی، ش ۵۰، ۱۳۴۹، ص ۶۳

ناگفته نماند مسئولیت و مجازات در این دوران جنبه شخصی و انفرادی نداشت. بدین معنا که نه تنها شخص مرتکب، بلکه کسان و اقوام وی نیز معاف از مجازات و تعقیب نبودند. در بند ۲۳۰ قانون نامه حمورابی آمده است که هرگاه در اثر خرابی منزل، پسر صاحب خانه فوت نماید، باید فرزند معمار به انتقام مرگ فرزند صاحب خانه به قتل برسد.^{۱۹} همچنین در امور پزشکی، هرگاه جراحی خدمات جسمانی فاحش به مریض وارد می‌آورد، مقرر بود که دست او را قطع کنند، ولی اگر فرزند شخص بزرگی را هلاک می‌ساخت، باید فرزند جراح، به جای فرزند درگذشته به قتل می‌رسید.^{۲۰}

۵. قوانین هیتی‌ها

هیتی‌ها گروه کوچکی از اقوامی بودند که به زبان خانواده هندواروپایی صحبت می‌کردند. هیتی‌ها حکومت خود را به عنوان یک قدرت سیاسی در طول قرن هفدهم (ق.م.) بنا نهاده و تا شروع قرن دوازدهم (ق.م.) به حکومت خود بر آنان توپی ادامه دادند. مجموعه قوانین هیتی اولین قانون مدون در اوایل سلطنت کهن است (۱۶۵۰-۱۵۰۰) که چهار نسخه از آن، نسخ قانونی مربوط به دوره هیتی کهن بوده و الباقی نسخی هستند که در طول دوران هیتی میانه یا هیتی جدید شکل گرفته‌اند (۱۱۸۰-۱۵۰۰). نسخ مربوط به دوره هیتی کهن به زبانی متروک و خطوط میخی نگارش یافته که نمایانگر سلطنت کهن هیتی است. در واقع تنها یک نسخه از هیتی جدید، قانون گذشته را اصلاح می‌نماید و سایر نسخ به امروزی کردن زبان نسخ کهن هیتی بسنده می‌کنند. متن اصلاح شده توسط هیتی جدید «نسخه مشابه» آن نامیده می‌شود که در برگیرنده ۴۱ بخش بوده و نوعاً توسط متخصصین جدید و با اعداد رومی شماره گذاری شده است، که مشخص می‌کند حتی در دوران کهن نیز به اصلاح و بهبود قوانین اهمیت ویژه‌ای می‌داده‌اند. قوانین بر اساس آنچه حقوق عرفی نامیده می‌شود، تدوین گردیده‌اند. قوانین هیتی‌ها را شاید بتوان یکی از بنیان‌های مفهوم مجازات معین در قبایل فعلی معین دانست؛ زیرا در این قوانین فعل و مجازات مرتبط با آن به این شکل بیان شده است: «هرگاه کسی چنین و چنان کند» یک ضمانت اجرای قانونی آمده که «او باید... شکل نقره پردازد» یا «او باید بمیرد» یا «آنها باید او را...» یا چیزهایی نظیر این. از مواردی که در قوانین هیتی به آن اشاره شده، می‌توان به قتل، ضرب و جرح، سرقت و فرار برده‌گان، ازدواج، تصرف زمین، سرقت حیوانات

۱۹. مرتضی محسنی، مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۶

۲۰. کیومرث کلاتری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، بابلسر: نشر دانشگاه مازندران، ۱۳۷۵، ص ۲۴

۱۱۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

یا صدمه زدن به آنها، سرقت اشیاء یا خسارت رساندن به آنها، جرائم جنسی، سرقت گیاهان و یا ایراد خسارت به آنها اشاره کرد.^{۲۱}

متن قانون نامه هیتیایی شامل دویست بند یا ماده است که مواد ۱۱۴ تا ۱۱۸ و ۱۳۳ تا ۱۴۱ آن مخدوش شده یا مبهم است و پس از قانون نامه حمورابی (۲۸۲ ماده) در میان الواحی که تا کنون کشف و ترجمه شده، مفصل‌ترین قانون نامه بین‌النهرینی به شمار می‌رود. تعداد کمی از مواد این قانون نامه به جرائم و مجازات‌ها (حقوق کیفری) تعلق دارد. کاهش شدت مجازات‌ها را در قوانین هیتی‌ها نسبت به قوانین حمورابی، شاید بتوان الگویی در کم کردن خشونت در مجازات در قوانین حاضر دانست.^{۲۲}

جالب این است که در قوانین هیتی‌ها حیوانات قابل مجازات شدن بودند. برای مثال در مواد ۱۸۷ و ۱۸۸ این قانون در مورد آمیزش با حیوانات صحبت شده است که در هر دو مورد حیوان را می‌کشنند؛ اما انسان ممکن است در این بین کشته شود و یا زنده نگه داشته شود.^{۲۳} بررسی علت مجازات حیوانات در قوانین گذشته به محققان کمک کرد تا یکی دیگر از جنبه‌های نظام سزاده‌ی^{۲۴} را بهتر درک کنند. در طی تحقیقی از آزمون شوندگان سؤال شد که آیا حاضر هستند حیوانات را نیز در قبال صدمه‌ای که به آنها وارد کرده‌اند، مجازات کنند یا خیر. محققان در قبال پاسخ داوطلبان به طور شگفت‌آوری به این نتیجه رسیدند که مجازات کردن حیوانات به افراد کمک می‌کند تا حس انتقام خود را تسکین دهند. این امر نشان داد که مجازات برای بسیاری از افراد صرف تنبیه مجرم نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد حتی می‌تواند جنبه انتقامی (حتی در مورد حیواناتی که توانایی درک عمل خود را ندارند) داشته باشد.^{۲۵}

۶. قوانین آشوریان میانه

حقوق آشور که عمدتاً با اصطلاح «قوانين آشوری» شناخته می‌شود، در زمان سلطنت تیکلت

۲۱. هری هافنر، قوانین هیتی‌ها: قانون نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری رومنی، با دیباچه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۸۴، صص ۲۵-۲۲

۲۲. همان، صص ۶-۷

۲۳. همان، صص ۷۷

۲۴. Retributive justice

۲۵. G. P. Goodwin & D. M. Gromet, "Punishment", Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science, 5(5), 2014, p. 568.

پیلسر^{۲۶} در قرن ۱۲ قبل از میلاد مسیح جمع آوری گردیده است. هرچند بنا به قول مشهور، تکوین قوانین مزبور به چند صد سال قبل از این تاریخ بر می گردد. یکی از وجوده تمایز این قوانین نسبت به قوانین مشابه، وجود مجازات های بی رحمانه رنگارنگ و نیز نگاه خفت بار و اسفناک این قوانین نسبت به زن است. چنین قوانینی می توانند سرنشسته ایجاد برخی نا亨جاريها فرهنگی را در قوانین فعلی بعضی از کشورها شرح دهد. با بررسی این نمونه ها حقوق دانان می توانند به علت یابی این ناعدالتی ها پردازنند و قوانین فعلی را بهبود ببخشند. در واقع یافتن منشأ و مبدأ این گونه بی عدالتی ها، ما را از وجود آنها در قوانین فعلی آگاه می کند و به قانون گذاران نیز در پی حذف آنان کمک بسیاری می کند.

حقوق کیفری آشوری، الهام بخش چهار اصل بزرگ گردیده است، که هرچند به صورت نظری بیان نشده اند، روح آن اصول به کالبد بسیاری از مقررات کیفری دمیده شده است. در قالب های نوین امروزی، اصول مزبور را می توان به نحو زیر بیان نمود:

- اصل اول: مسئولیت کیفری، شخصی است. به این معنی که تنها فرد گنهکاری که مرتکب عمل مجرمانه شده است، قابل مجازات خواهد بود. این اصل که در حقوق جزای امروزی اصلی بدیهی به شمار می رود، همیشه مجری نبوده، و پیدایش آن در نظام کیفری آشور باستان بر حسب بعضی قرائن، نقطه عطفی در جهت پیشرفت حقوق بوده است و در متون متعدد شناخته شدن مسئولیت کیفری انفرادی و شخصی کردن این مسئولیت به معنای پشت سر گذاشتن نظام پیشین مسئولیت کیفری اشتراکی ذکر شده است. برای مثال، زنی که مرتکب کفرگویی و توهین به مقدسات مذهبی شده، خود شخصاً مجازات خواهد شد و به شوهر، پسران و دختران وی تعرضی صورت نخواهد گرفت.^{۲۷}

- اصل دوم: مسئولیت کیفری مستلزم وجود قصد مجرمانه است.

- اصل سوم: مجازات باید با جرم ارتکابی متناسب باشد.

- اصل چهارم: در مقابل جرم یکسان باید کیفری یکسان و واحد اعمال گردد.^{۲۸}.

این چهار اصل را می توان به راحتی در اکثر قوانین حقوق کیفری سرتاسر دنیا یافت و لازم به ذکر است که هر چهار مورد در تحقق عدالت کمک شایانی کرده اند.

۲۶.Teglatphasar

۲۷. ماده ۲

۲۸. وستورک و دیگران، همان، صص ۹۳-۹۸

ب) در حقوق ایران باستان

در مورد ایران باستان که از ۵۵۰ ق.م مسیح (تشکیل دولت هخامنشی) شروع می‌شود و در سال ۶۵۱ بعد از میلاد، یعنی انقراض سلسله ساسانیان با تسلط اعراب پایان می‌گیرد و فرمانروایی سه سلسله هخامنشی (۳۳۰-۵۵۰ ق.م)، اشکانیان (۲۴۸ ق.م-۲۲۴ م) و ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م) را در بر می‌گیرد، استناد و مدارک مستدل و قابل اطمینانی در دست نیست. با این وجود، با توجه به آثار تاریخی و متون باقی‌مانده از این دوران، می‌توان مشخصات قوانین کیفری در عهد باستان را استخراج و بررسی کرد.^{۲۹}

کوروش کبیر در قرن پنجم قبل از میلاد پس از فتح بابل منشوری صادر کرد که بسیار قابل توجه است. او در این منشور برخی از حقوق و آزادی‌ها، از جمله آزادی عقیده و ایمان را به مردم آن زمان اعطا کرد. کوروش فرمان داد که به مردم شهر بابل آزاری نرسد، همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی‌دینان تحت فشار قرار نگیرند. خانه‌های آنان را که خراب شده‌بود، از نو ساخت و معابد آنان را باز کرد و خدایان معابد را به جای خود بازگردانید.^{۳۰} لوحه‌هایی از منشور که به زبان بابل است پس از جنگ جهانی اول، توسط باستان‌شناسان انگلیسی در محل شهر قدیمی بابل کشف شد و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.^{۳۱}

به فرمان داریوش مجموعه‌ای از اصول و مقررات حقوقی برای مردم امپراتوری ایران تنظیم شد که تا حد زیادی از قانون نامه حمورابی اقتباس شده‌بود. همچنین بسیاری از مقررات و قوانین ایران باستان در کتاب دینکرد که در دوره ساسانیان تدوین شده، باقی مانده که ظاهراً مقررات واحدی را برای تمام مردم امپراتوری برقرار می‌ساخته است. از شواهدی که در این دوران باقی مانده، مشخص می‌شود که در تعیین و اجرای مجازات‌ها، سوابق شخصی و اجتماعی متهم در نظر گرفته می‌شده، یا لاقل این سوابق را به منظور تقلیل و تعدیل مجازات مورد توجه قرار می‌دادند.^{۳۲} بررسی سوابق مجرم یکی از بهترین ابداعات آن دوره از تاریخ است که در قوانین فعلی کشور ما آن‌گونه که باید به آن توجه نشده‌است. آخرین تلاش‌ها در این زمینه به تصویب ماده ۲۰۳ از قانون جدید آیین دادرسی کیفری بر می‌گردد که از تیرماه سال

۲۹. رضا نوری‌ها، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۷۳

۳۰. کلانتری، همان، ص ۲۵

۳۱. زین العابدین قربانی، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۷۳

۳۲. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، صص ۱۳۱-۱۳۲

جاری لازم‌الاجرا خواهد شد. این ماده تشکیل پرونده شخصیت را در جرائمی مانند سلب حیاط، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر از آن توسط بازپرس و در مرحله دادسرا الزامی می‌داند و در آن ذکر گزارش مددکاری در خصوص وضع مادی و خانوادگی و اجتماعی متهم و گزارش پزشکی و روان پزشکی پیش‌بینی شده است. پرونده شخصیت به قصاص کمک می‌کند تا به علت‌یابی جرم بپردازند و نیز در اجتماعی کردن مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم مؤثر است.

در ایران باستان، تعریفی مشخص از جرم وجود ندارد. در این دوران جرائم گوناگونی وجود دارند، بی‌آنکه بتوان طبقه‌بندی خاصی ارائه داد و با توجه به این انواع، جرم عبارت است از هر اقدامی که به دین، پادشاه و خانواده او یا به عامه مردم لطمہ وارد کند؛ که البته تشخیص این صدمه اغلب با شخص پادشاه یا قصاص شاهی است.^{۳۳}

به طور کلی، مجازات‌های ایران باستان فوق‌العاده سخت بود. ریچارد فرای، در کتاب میراث باستانی ایران، در مورد مجازات‌های دوره هخامنشی چنین می‌نویسد: «در منابع یونانی از سختی و قساوتی که در اجرای قوانین به کار می‌رفته گفت و گو شده است. کیفرها معمولاً بسیار سخت بود. از جمله کشتن، مثله کردن و نفی بلد بسیار رایج بود و ظاهراً در دادگستری اصل مسئولیت خویشان اعمال می‌شد». قوانینی که مخصوصاً برای کیفر خیانت‌پیشگان و فراریان جنگ وضع شده بسیار سخت است. مثلاً خیانت یک فرد مستلزم هلاک همه خویشانش می‌شود. اگر این گفته درست باشد سو دلیلی بر تردید در آن نیست، زیرا تا دوران اخیر در جوامع سنتی مسئولیت کیفری جمعی و غیر شخصی بوده است. معلوم می‌شود در ایران باستان گناه مجرمین به خویشان و بستگان آنان نیز سراحت می‌کرده است.^{۳۴} سخت بودن مجازات‌ها در قوانین دوره ایران باستان می‌تواند به حقوق دانان کنونی کمک بسیاری کند. سخت بودن مجازات نشانه جنبه ترهیبی مجازات است. در صورتی که حتی با شدت مجازات‌ها میزان جرم و جنایت کم نشده باشد، می‌توان تا حدی به این نتیجه رسید که جنبه ارعابی مجازات نمی‌تواند به تنهایی جلوی جرم را بگیرد.

یکی از مسائلی که می‌توان آن را در قوانین کنونی نیز مشاهده کرد و سر منشأ آن را در چنین قوانینی دانست، مجازات اطفال است. در آن زمان اطفال تا سنین ۷ یا ۸ سالگی مسئولیت

۳۳. نوربها، همان، ص ۷۶

۳۴. صانعی، همان، صص ۱۳۴ - ۱۳۵

۱۲۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

نداشتند و پس از آن تابع تشریفات بزرگسالان بودند، با این توضیح که مجازات آنها تا ۱۶ سالگی خفیف‌تر بوده است.^{۳۵}

با توجه به انواع مجازات‌های متدالو در عهد باستان و نحوه اجرای آنها، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین هدف چنین مجازات‌هایی در درجه اول حفظ نظم و پس از آن، ایجاد رعب و هراس بوده است. مجازات اعدام، کور کردن، حبس کردن در سیاه چال، تازیانه و زنجیر کردن زندانی از جمله مجازات‌های متدالو در این دوره بوده است.^{۳۶}

ج) در حقوق رم و یونان

مهمنترین برنامه‌های تدوین قانون در یونان و رم باستان قوانین سولون، قوانین گورتین^{۳۷} و الواح دوازده گانه رومی بود. پیش از سولون، در قرن هفتم ق.م. قانون‌گذاری دراکون وجود داشت. قوانین دراکون (سردار یونانی) به مسئله تعقیب قتل می‌پرداخت. ارسطو تأسیس یک قانون اساسی را به سولون نسبت می‌دهد. این استناد ممکن است اشتباه تاریخ‌نگاری باشد. زیرا تنها از قرن چهارم ق.م. به بعد، سولون را بنیان‌گذار یک قانون اساسی دانستند. اما اشاره ارسطو به ماهیت مردمی یا دموکراتیک قوانین سولون صحیح است. مهم‌ترین منبع قانون‌گذاری قبل از دوران هلنیستی^{۳۸}، قانون نامه‌ای است که در شهر کرت پیدا شده است. این قانون نامه، کتبیه‌ای متعلق به قرن پنجم ق.م. است و با حکمی آغاز می‌شود که یکی از بنیادی‌ترین اصول قانون مقرر می‌دارد افراد حق ندارند اجرای قانون را در دست خود گرفته، شاکی و نیز قاضی خویش باشند (از اولین مواردی که به تأسیس مجری قانون اعتبار بخشید). این کتبیه قوانینی در خصوص تجاوز به عنف و زنای محضنه (قابل مجازات با جرمیه مالی) ازدواج، ضمانت و مسئولیت را مطرح می‌کند.^{۳۹}

قانون الواح دوازده گانه رومی در سال ۴۵۰-۴۴۹ ق.م. در تلاش برای کنترل نزاع و دشمنی

۳۵. نوریها، همان، ص ۷۹

۳۶. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۵

۳۷. گورتین (Gortyn) شهری باستانی است در جزیره‌ی کرت که امروزه جزء سرزمین یونان محسوب می‌شود.

۳۸. هلنی: فرهنگ یونان باستان؛ هلنیستی: مربوط فرهنگ، زبان و تاریخ یونان از مرگ اسکندر تا اگوستوس یعنی قرن ۴-۱ ق.م.

۳۹. ج. کیپنبرگ، «قانون و تدوین قانون»؛ ترجمهٔ حسین بادامچی، مندرج در: تاریخ حقوق کیفری بین النهرين (مجموعه مقالات)؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۲۹-۳۱

میان طبقه پله بین (عوام) و پاتریسین (اشراف) و تأمین آزادی برای هر دو گروه تدوین شد. در ابتدای قانون نامه، مقررات کوتاهی در خصوص چگونگی آغاز و تعقیب دعواه حقوق آمده است و در لوحه هشتم به حقوق جزا پرداخته است. به عنوان نمونه، قتل عمدى مستوجب مرگ است.^{۴۰} در مورد سرقت، احکام متنوع وجود داشت؛ از پرداخت دو برابر ارزش مال مسروقه تا مجازات مرگ. البته حقوق عرفی قبل از تصویب الواح دوازده گانه، جرم سرقت را به رسمیت شناخته بود و به موجب این الواح، سرقت قاعده مند شد؛ اما ایراد خسارت به اموال به طور کلی آفریده قانون بود. دو نوع سرقت به رسمیت شناخته شد: ۱. سرقت مشهود که در آن سارق حین ارتکاب عمل دستگیر می شد؛ ۲. سرقت غیرمشهود که در آن سارق بعداً [پس از ارتکاب سرقت] دستگیر می شد. مجازات، تابعی از این تمایز بود. به هر حال، الواح دوازده گانه سرقت را تعریف نکردند؛ زیرا این مفهوم به خوبی شناخته شده بود و تعریف آن غیرضروری می نمود.^{۴۱} در روم و یونان باستان، مجازات شلاق، هم به عنوان مجازات اصلی و هم به عنوان مجازات تبعی تعیین می شد و در الواح دوازده گانه در موارد زیادی از این مجازات نام برده شده است.^{۴۲}

اصل عدم مسئولیت و مجازات مردگان در یونان قدیم وجود نداشت و مرتکبین جرائم مهم، حتی پس از مرگ نیز تحت تعقیب و محکمه قرار می گرفتند. مثلاً مقرر بود که هرگاه کسی خودکشی کند، دست وی قطع و در جای دیگر دفع شود. افلاطون نیز معتقد بود کسی که خودکشی کند، باید در زمین دورافتاده و خشک و سخت و بدون هیچ گونه تشریفات به خاک سپرده شود. در روم قدیم، در قرون اول و دوم میلادی، از محکمه و یا مجازات درگذشتگان خودداری می نمودند.^{۴۳}

د) در حقوق کلیسا بی قرون وسطی

حضرت مسیح در فلسطین و میان قوم یهود ظهر کرد. ظهور او مصادف با فرمانروایی اوکتاویانوس، نخستین قیصر روم، بود که از ۲۷ سال پیش از میلاد مسیح تا ۱۴ سال پس از

۴۰. همان، ص ۳۲

۴۱. پیتر استین، «تفسیر و استدلال حقوقی در حقوق رم»، ترجمه رحیم فروغی نیک، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۲ - ۶۳، ۱۳۸۷، صص ۲۷۹ - ۲۸۰

۴۲. زند وکیلی، «مجازات‌ها و تاریخچه آن‌ها»، ماهنامه قضایی، ش ۱۳۶، ۱۳۵۶، ص ۱۰۱

۴۳. محسنی، همان، ص ۸

میلادش فرمانروایی کرد. آین او به تدریج در میان مردم روم و یونان ترویج یافت. تا این زمان، از نظر مذهبی، مفهوم جرم، متراffد با مفهوم گناه است. از نظر کلیسا نیز، جرم عملی است که اخلاق آن را مذموم دانسته و از طرف خدا منع گردیده است.^{۴۴}

تا پیش از قرن دوازدهم، گناه از جرم عادی منفک نبود و کلیسا بین آنچه که امروز می‌گوییم تقصیر واجد آثار خارجی و غیر واجد، تفاوتی قابل نبود و فرقی بین مجازات‌های کلیسا ای به معنای اخص و مجازات‌های توبه‌ای وجود نداشت. تا این دوران، جرم هم تجاوز ساده از موازین اخلاقی به حساب می‌آمد و هم تابع مجازات‌های مذهبی کلیسا ای بود. گرایش کشیش ایتالیایی سده دوازدهم، پایه گذار علوم و حقوق شرعی، در حکمی به سال ۱۱۴۰ میلادی از این تعریف که گناه یک کار بد عمدى است، الهام گرفته و اضافه می‌کند که ارکان تشکیل‌دهنده آن اراده، قصد و اختیار است. او زمانی دست به این کار زد که بزه و گناه در هم آمیخته بودند؛ به طوری که مفهوم بزه داخل در مفهوم گناه بود، اما عکس آن صادق نبود.^{۴۵} یکی از کارهای مهم حقوق دانان کلیسا ای این بود که جرم را از گناه، که از نظر آنان به موجب آن انسان در مقابل خدا پاسخگو و مستوجب استغفار و توبه است، تفکیک کرند.^{۴۶} امری که در نظام‌های اجتماعی امروزی نیز قابل مشاهده است. در نظام اجتماعی امروزی بین رفتار غیراجتماعی (که گناه را نیز شامل می‌شود) و جرم تفکیک قابل شده‌اند. در واقع، جرم قسمتی از رفتار ضداجتماعی محسوب می‌گردد؛ اما بر عکس آن صادق نیست. توجه به این تفکیک می‌تواند جلوی بسیاری جرم‌انگاری‌های بی اهمیت و هزینه‌بر را بگیرد؛ زیرا تعیین مجازات برای هر عمل غیراجتماعی نه تنها آزادی افراد را زیر سوال می‌برد، بلکه اهمیت جرائم مهم‌تر را کم‌زنگ می‌کند.

در قرون وسطی با اینکه مذاهب رسمی اکثریت کشورها سعی داشتند تحولی در مفهوم مسئولیت کیفری پدید آورند و به مسئولیت کیفری جنبه‌های شخصی و انفرادی دهنند، باز هم در این مورد تغییری حاصل نگردید. نه تنها مردان و یا حیوانات را محاکمه و مجازات

۴۴. بهمن حسینجانی و مسعود مظاہری تهرانی، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴.

۴۵. ام. ال. آبه متز، «مسئولیت جزایی در حقوق کلیسا ای»، ترجمه علی اردلانی، مجله کانون وکلا، سال ۱۷، ش ۴۳ (۱۳۴۴)، ص ۹۹.

۴۶. حسینجانی و مظاہری تهرانی، همان، ص ۲۳۷.

می نمودند، بلکه اقوام و کسان مجرم نیز، از تعقیب و محاکمه و محکومیت معاف نبودند. قضات حق داشتند علاوه بر شخص مرتكب، کسان و نزدیکان وی را هم تحت تعقیب قرار داده و مسئولیت را به خانواده مجرم سرایت دهند^{۴۷}، که ضعف قانونگذاری و اهمیت بررسی سیر تحول مسئولیت کیفری را نشان می دهد؛ زیرا اگر قانونگذاران آن زمان سیر تحول مسئولیت کیفری را مورد بررسی قرار می دادند می توانستند اصل شخصی بودن مجازات را نیز مورد استفاده قرار دهند و از بی عدالتی جلوگیری نمایند.

البته در برهه ای از زمان، با حاکمیت یافتن مذهبیون مسیحی نخست تعديل هایی در مجازات و نحوه اجرای آنها به وجود آمد؛ ولی با گذشت زمان، مجازات ها در دوران قرون وسطی در اروپا به قدری شدید اجرا می شدند که در تاریخ کیفری اروپا، این بازه زمانی، دوران «سیاه و تاریک»^{۴۸} لقب گرفت. در این دوران، مجازات مرگ برای هر جرمی امکان پذیر بود.^{۴۹} رادزینوویچ، جرم شناس معروف لهستانی، در کتاب معروف خود در مورد تاریخ حقوق کیفری بریتانیا چنین می گوید: «در زمان هنری هشتم به طور میانگین سالیانه دو هزار نفر به جرم سرقت ساده^{۵۰} و سرقت با قهر و غلبه از افراد^{۵۱} اعدام می شدند».^{۵۲}

به طور کلی برقراری قانون و نظم در دوران قرون وسطی به سختی انجام می گرفت؛ زیرا در آن دوران دموکراسی وجود نداشت و بنابراین قانون تبعیض آمیز بود. اگر به خاطر قوانین سخت و خشن موجود در دوران قرون وسطی نبود، هرج و مر ج در آن عصر غالب می گشت. این مورد نیز مانند شدت مجازات هایی که در قوانین ایران باستان وجود داشت، قابل بررسی و تأمل است. حقوق دانان با مطالعه این دو دوره می توانند به یک نتیجه مشخص در مورد برقراری نظم با استفاده از خصوصیت ارتعاب مجازات ها برسند. مطالعه تأثیر جنبه تهدیدی مجازات، می تواند در دوره هایی مانند جنگ، که اصول اجتماعی و فرهنگی زیورو رومی شوند، اهمیت ویژه ای پیدا کند؛ زیرا آنچه مشخص است، در قرن بیست و یکم مجازات های شدید

۴۷. محسنی، همان، ص ۱۰

۴۸. Dark ages

۴۹. علی صفاری، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۴۹

۵۰. Theft

۵۱. Robbery

۵۲. L .Radzinowicz, “A history of English criminal law and its administration from 1750”, the movement for reform, London: Stevens & Sons Ltd. 1948. Vol. I

۱۲۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

نتیجه‌ای جز انجار از قانون ندارد.

در آن دوره، هر شخص متهم، مشروط به یک اورDALI^{۵۳} بود. جالب اینکه انواع گوناگونی از اورDALI وجود داشته است. برای مثال اورDALI آتش، اورDALI با آب سرد، اورDALI با قرص نان (متهم را مجبور می‌کردند که یک قرص نان را بدون جویدن ببلعد و اگر خفه نمی‌شد، بی‌گناه بود) و مانند آن^{۵۴}.

ه) در حقوق اسلامی

مطالعات تاریخ تحولات حقوق کیفری نشان می‌دهد که نظام کیفری اسلام، نخستین نظامی است که دوازده قرن قبل از نظام‌های حقوق عرفی، سیاست کیفری خاصی را با برقراری انواع مجازات‌های اسلامی پی‌ریزی و دنبال کرده است. هدف اسلام از تدوین قوانین کیفری، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح بزهکاران از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اجرای سایر دستورات اخلاق مذهبی و اصول دینی است، و هدف از اجرای مجازات‌ها تنها انتقام‌جویی یا شکنجه و آزار مجرمین و یا مجرد حفظ حقوق و تشییع خاطر مجنی‌علیه یا اولیای دم و مانند این‌ها نیست؛ بلکه هدف حفظ و حراست جامعه از بدی و مفاسد اجتماعی و اجرای عدالت کیفری است. اصول حاکم بر حقوق جزای اسلام عبارت اند از: اصل تساوی در مجازات‌ها، اصل قانونی بودن مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مجازات‌ها. قبل از استقرار دین اسلام در شبه‌جزیره عربستان، مسئولیت کیفری مجرمین و اعمال مجازات منحصر به شخص مرتكب جرم نبود؛ بلکه عملاً اعضای خانواده مجرم نیز که به هیچ وجه در ارتکاب جرم مداخله‌ای نداشتند، از مجازات معاف نبودند و مسئولیت کیفری جنبه گروهی پیدا می‌کرد. اما اسلام با پذیرفتن اصل شخصی بودن مجازات‌ها، احکام جزایی را تحت نظم و قاعده خاصی درآورد و رعایت این قاعده را به عنوان یک اصل مسلم بر اعمال مجازات‌ها حاکم کرد^{۵۵}. آیات زیادی از قرآن کریم معید اصل شخصی بودن مجازات‌ها است.^{۵۶} این اصل اگرچه در برخی موارد محدود می‌شود، مانند مسئولیت عاقله و لزوم اجرای مجازات دیه بر او، اما در مفهوم خاص مجازات، اصل شخصی بودن اعتبار دارد.

۵۳.Ordeal

۵۴.<http://www.medievality.com/law-and-order.html>

نتیجه گیری:

عرصه حقوق عرصه ابداعات بشری است و هر ابداعی لازمه اش تغییر و تحول به سمت ترقی است. مفهوم مسئولیت کیفری نیز از این قاعده مستثنی نیست. در روند قانون گذاری نصب العین قرار دادن گذشته، نگاه به امروز و اندیشه فردایی بهتر ضروری است. عبرت از گذشته صرفا نه با دید تاریخی و اطلاعی بلکه با دید انتقادی و تحلیلی امری لازم است. نفی و یا تایید تمامی گذشته‌ها امری مدموم و در مقابل استفاده گرینشی امری مطلوب است. هر عملی که بر نظری دقیق استوار نداشته باشد یقیناً یا به مطلوب خواهد رسید یا در رسیدن به کمال هزینه را افزایش خواهد داد. در این خصوص بررسی مفاهیم گذشته با دید تحلیلی و انتقادی خود موجبی است برای استفاده از تجربیات گذشتگان و عدم صرف هزینه مجدد. در حوزه علوم انسانی با مرگ نظریه‌ها مواجه نیستیم بلکه با استعاره از مفاهیم طبیعت، با خواب زمستانی رویه رو ایم. یک اندیشه دارای افول است لکن مرگ آن غیر ممکن است. لذا با استقراء در اندیشه اندیشمندان گذشته و تطبیق آن با زمان حاضر هزینه فرصت کمی را متحمل خواهیم شد؛ همانطور که در یک عصر وجود مشترکی وجود دارد، در اعصار تاریخی هم گاها وجود مشترکی وجود دارد که با بررسی تاریخی و تحلیلی رویکرد انتقادی برای جامعه مفید خواهد بود.

۱۲۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

منابع و مأخذ کتابها

- اردبیلی، محمد علی، **حقوق جزای عمومی**، انتشارات میزان، ۱۳۸۹، چاپ بیست و یکم، جلد دوم.
- حسینجانی، بهمن و مسعود مظاہری تهرانی، **اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری**، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- صالح ولیدی، محمد، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ دهم، جلد اول.
- صانعی، پرویز، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، چاپ اول.
- صفاری، علی، **کیفرشناسی**، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، چاپ چهارم.
- قربانی، زین العابدین، **اسلام و حقوق بشر**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، چاپ سوم.
- کلاتری، کیومرث، **اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها**، بایلسر: نشر دانشگاه مازندران، ۱۳۷۵، چاپ اول.
- محسنی، مرتضی، **مسئولیت کیفری**، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- نوربهای، رضا، **زمینه‌ی حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸، چاپ بیست و هفتم.
- وستبروک، ریموند، **حقوق سومری**، «**تاریخ حقوق کیفری بین النهرين**» (مجموعه مقالات)؛ مقاله دوم، چاپ اول، (ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- وستبورک، ریموند و دیگران، **تاریخ حقوق بین النهرين باستان آغاز قانون گذاری**، ترجمه گودرز افتخار جهرمی و دیگران، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- هـ. جـ. کـیـپـنـبـرـگـ، «**قانون و تدوین قانون**»؛ ترجمه حسین بادامچی، مندرج در: **تاریخ حقوق کیفری بین النهرين** (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، چاپ اول.
- هافتر، هری، **قوانين هیتی‌ها**، قانون نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری رومنی، با دیباچه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۸۴، چاپ اول.

مقالات

- آبه متز، ام. ال، «**مسئولیت جزایی در حقوق کلیسا**»، ترجمه اردلانی، علی، **مجله کانون و کلا**، سال هفدهم، شماره ۹۹، ۱۳۴۴.
- استین، پیتر، «**تفسیر و استدلال حقوقی در حقوق رم**»، ترجمه رحیم فروغی نیک، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۲ و ۶۳، ۱۳۸۷.

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی ۱۲۷

- بادامچی، حسین، «قتل در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق»، *مجله حقوقی دادگستر*، شماره ۳۳، ۱۳۷۹.
- راس، مارتات و دیگران، «قوانين اشنونا: یادگار حقوق دانان باستانی»، ترجمه حسین بادامچی، *مجله حقوق دادگستر*، شماره ۳۷، ۱۳۸۰.
- کاکوئی، «نخستین قانون نوشته»، *مہنامہ قضایی*، شماره ۵۰، ۱۳۴۹.
- محمد جعفر، حبیب زاده و حسین فخر بناب، «مقایسه عوامل موجة جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری»، *فصلنامه علمی پژوهشی مدرس*، دوره نهم، شماره سوم، ۱۳۸۴.
- نجفی، محمد علی، «نگاهی به قانون حمورابی»، *حقوق امروز*، شماره ۲۹، ۱۳۵۲-۵۳.
- وکیلی، زند، «مجازات‌ها و تاریخچه آن‌ها»، *ماهnamه قضایی*، شماره ۱۳۶، ۱۳۵۶.
- ولایی، احمد، «قوانين حمورابی»، ارمغان، دوره بیستم، شماره ۳، ۱۳۱۸.
- Goodwin, G. P., & Gromet, D. M. , “Punishment”, Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science, 5(5),2014,pp. 561-572.
- Radzinowicz, L, “A history of English criminal law and its administration from 1750”, the movement for reform, London: Stevens & Sons Ltd. 1948. Vol. I

منابع اینترنتی

- <http://www.medievality.com/law-and-order.html>